ضرر و خطر اتصال کلمات فارسی

نویسنده : یغمائی، پیمان

جناب آقای مدیر دانش‏ور مجلهء ارج‏مند ارمغان

در یکی از مقالات گذشته وعده داده بودام که ضرر و خطر اتصال کلمات‏ فارسی را(که تاکنون ناگفته مانده است)نشان ده‏ام-اکنون از این مقاله‏ به بعد شروع می‏شود.

1-یکی از کلمات ربط کلمهء(به)است که در 21 مورد به کار می‏رود و بعضی از استادان مشهور و معروف که به دقائق فنی رسم الخط فارسی آشنا نه‏ بوده یعنی آموزگاری ابتدائی نه کرده‏اند آن را باء زینت(یعنی غیر لازم یا زائد الوجود)می‏پنداراند-و اتفاقا همین اصطلاح غلط(من درآورده)باعث‏ شده است که غالبی از نویسنده‏گان‏های آخر آن را(که غیر ملفوظ ولی‏ واجب الوجود است)حذف کرده به کلمهء بعد متصل کن‏اند-این دسته اشخاص‏ هست‏اند که به بلای یاد دادن و فهماندن دچار نه‏شده‏اند-و زیان این‏گونه‏ اتصال را نه‏دیده‏اند آری چه زیان و خطری بالاتر از این که از وصل کلمات‏ به هم دیگر کلمهء نوظهور دیگری تولید می‏شود که ابدا منظور نویسنده نه‏بوده‏ است و جز آن‏که خواننده را گیج کند ثمر دیگری نه‏دارد-الحق به جا است‏ که فرهنگ و هنر هم‏چنین آموزش و پرورش در هنگام استخدام معلم برای‏ فهماندن امتیازی قائل شود نه صرف فهمیدن-تا هرکس نه‏تواند کوس معلمی‏ به نوزاد-معلمان دقیق و خوب حتی برای عضویت فرهنگستان و ایجاد لغت‏ جدید اصلح از سایرین‏اند زیرا برای این کار تبحر در لغات فارسی‏ای که مورد استعال شش تن از مفاخر ملی ما(فردوسی.نظامی.مولوی.سعدی. حافظ.خیام)واقع شده و قریحهء خدادی کافی است که اینان به خوبی‏ دارا هست‏اند.

(اینک مثال در اتصال کلمات)

1-شنیدم در ایام حاتم که بود به خیل اندراش بادپائی چو دود

درست دقت فرمائید-(به خیل)را اگر پس از حذف‏های غیر ملفوظ (به)به کلمهء(خیل)به‏چسبان‏ایم کلمهء(بخیل)تولید می‏شود.یعنی ممسک- اگر مخالف به‏گوید که استادان در صورت اتصال هم غلط نه‏می‏خواندند جواب‏ این است که خط و زبان برای همه مخصوصا نوآموزان است نه عده‏ای‏ انگشت‏شمار.

من یقین دارم که خوانندگام محترم ارمغان در خواندن این مقاله که به طرز علمی و باستانی نوشته شده است دچار زحمت و رنج می‏شوند و مرا نفرین‏ می‏کنند-من برای خدمت به ملک و ملت و خط و زبان این لعنت و نفرین را می‏پذیرام تا خوردخورد مردم به درست‏نویسی عادت کنند.

(مثال‏های دیگر در اتصال کلمات)

2-گرات ز دست بر آید مراد خاطر ما به دست باش که خیری به جای خویشتن است

(به دست)یعنی باخبر و آماده باش.اگر وصل کن‏ایم(بدست)میشود یعنی وجب آدمی که به عربی شبر می‏گویند.

منفصل متصل

به‏آفت بافت بافتن پارچه

به‏آب باب به معنای فصل و باب که عربی است

منفصل متصل

به‏هشت بهشت به معنای جنان

به‏خار بخار بخار سماور

به‏چه بچه کودک

دربه‏در شدن یعنی پریشان شدن در بدر شدن که دارای سه معنای

مختلف است 1-ماه شب چارده 2-محلی میان مکه و مدینه سوم نام‏ چاه غزوه بدرة الکبری

به‏درنگ بدرنگ

به‏یار بیار

به‏ستم بستم

در خاتمه تصور می‏کنم برای اثبات ضرر و خطر این مثال‏ها کافی باشد استدعا دارم از خواننده‏گان-اگر می‏خواه‏اند عملا رسم الخط بدون غلط را در قرن بیستم برای نمونه به‏بین‏اند حتما کتاب سرنوشت استاد حبیب یغمائی‏ مدیر مجله یغما را که در حقیقت دیوان و تصنیف ایشان است ملاحظه کن‏اند که هم از حیث نثر و شعر خوب و دیدنی است و هم از حیث رسم الخط کاملا باستانی و علمی است.

در رأس هزاره اول از میلاد دو شاعر بزرگ در یونان زمین‏ بظهور رسیدند یکی(هومر)شاعر حماسی در قرن نهم قبل از میلاد. و دیگری(هزیود)شاعر تعلیمی در قرن هشتم قبل از میلاد.

اشعار و حماسه‏های آن قوم که بزبان این دو شاعر گفته شده در حقیقت‏ بمنزله ادبیات دینی و اسناد مذهبی ادوار قدیم آن مردم است.

)تاریخ ادیان(